ک . پیکار پامیر

۸ جولای ۲۰۱۵

وهابیت و تروریسم جهانی

(قسمت هفتم)

مدرسهٔ دیوبند یا بنیاد تفکرات سلفی درهند

مدرسهٔ " دیوبند" برای نخستین بار درسال 1283 هجری (1867 میلادی) توسط دسته یی ازعلمای دینی شبه قارهٔ هند مانند محمد قاسم نانوتوی، سید احمد کنکوهی، حسین احمد مدنی، محمد انورشاه کشمیری، ابوالحسن ندوی و محدث حبیب الرحمن الاعظمی در شهرکی بنام دیوبند ازتوابع سهارنپور، واقع در نود مایلی دهلی تأسیس شد و آن زمانی بود که استعماربریتانیای کبیر هندوستان را به اشغال خویش در آورده بود. منظورِاساسی مؤسسینِ مدرسهٔ دیوبند درآن زمان، علاوه ازبرگردانیدنِ مسلمانان به سلف صالح یا دورانِ صحابه، نجاتِ مسلمانان از زیرِ یوغِ حاکمیتِ انگلیسها و علم و تکنالوژی جدیدِ اروپایی نیز بود. مؤسسینِ مدرسهٔ دیوبند، درقدم نخست، اهداف و مقاصدِ دینی آتی را در سرلوحهٔ کارخویش قرار دادند :

*محافظت از تعالیم اسلامی و بقای شوکتِ اسلام و شعایرآن
* نشراسلام و مقاومت در برابر مذاهبِ تیشری و الحادی
* نشر فرهنگِ اسلامی و مبارزه با فرهنگِ استعماری
* اهتمام به آموزشِ زبان عربی

علی رغم آنکه دیوبندیسم درهند و پاکستان، به مرورِ زمان به شعبات و تشکلاتِ متعددی تقسم گردید و در رأس هریک ازشعبِ آن، یک ملا یا مفتی قرارگرفت، واما بصورت کُل میتوان گفت که همهٔ آنها نقاطِ نظرِمشترکی را درفعالیتهای تئوریک و تبلیغاتی شان حمل کرده و میکنند که درحقیقت، همان وهابیتِ عربستان سعودی را (با اندک تفاوت) دراین بخشِ آسیا تمثیل میکنند، تا آنجا که میتوان گفت وهابیت در دو گوشه از دنیا (هندوستان و عربستان) به رشد و تکامل خویش ادامه داد.

مثلاً، یکی ازشعبِ دیوبندیسم درشبه قارهٔ هند (به شمولِ پاکستان امروزی) عبارت از" جماعت تبلیغی " است که آنرا شخصی بنام " شیخ محمد الیاس کاندهلوی " درسال 1924 میلادی، به منظورِ گسترشِ مذهبِ حنفی دیوبندی (سلفی– وهابی) در شهرمیواتِ هند تأسیس نمود. شیخ الیاس، با الهام پذیری ازسلفِ خویش، شش شعارعمدهٔ دینی را به این ترتیب تعیین نمود تا برای گسترشِ آن تبلیغ صورت گیرد :

- ادای کلمهٔ شهادت یا شهادتین
- ادای نمازپنجگانه
- رعایتِ علم وذکر(ذکرهمیشه گی خدا)
- رعایت اکرام مسلمانان (تکریم مسلمانان)
- اخلاص نیت (درهرکار فقط رضای خدا را در نظر داشتن)
- خروج یا زمینه سازی برای تبلیغ دین

وقتی "جماعتِ" مذکور پس ازجنگِ اولِ جهانی سربلند کرد، نزدِ اکثریتِ آگاهانِ سیاسی – اجتماعی، حرکتی به سودِ سیاست های استعماری انگلیس تلقی گردید. همچنان انکشاف و گسترشِ بعدی این جماعت درسراسرِجهان و برگزاری گِردهمآیی های چند ملیون نفری و پُرخرجِ آن درکشورهای مختلف، سؤال های زیادی را نزد مردمِ جهان ایجاد نمود.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

باید این نکته را نیزیاد آورشد که یکی ازمراکزِمهمِ " جماعت تبلیغی "، درمنطقه یی بنام " رائیوند " واقع درسی کیلو متری شرقِ شهرِلاهور مرکزِ ایالتِ پنجابِ پاکستان قرار دارد و همین اکنون صد ها افسر و عسکرارتش آن کشورنیز پیرو " جماعت تبلیغی " میباشند.

فعالیتهای " جماعت تبلیغی " منحصر به دو کشورهند و پاکستان نبوده، بلکه درافغانستان، شرق ایران، اندونزیا، بنگله دیش، برما، مالزیا، تایلند، فلپین، ترکیه، جاپان، تانزانیا، اوگندا، زامبیا و غیره نیز در پناهِ حمایت های مالی و اطلاعاتی آلِ سعود، نفوذ دارد. این نکته نیزگفتنی است که منسجم ترین تشکیلات تبلیغی ها درخاکِ انگلستان وجود داشته و اکثریتِ برنامه های آنها از همانجا ترتیب و تنظیم میگردد. پیروانِ " جماعت تبلیغی "،

مانند وهابی های عربستان سعودی، دارای شعارها، اعتقادات و برنامه های فکری – سیاسی آتی میباشد:

- مخالفت با اهل تشیع
- مخالفت با اشتراکِ زنان در اموراجتماعی
- مخالفت با حقوق زن و حقوق بشر
- مخالف با برجسته سازی قبور و برافراشتنِ" توغ " بالای آنها
- مخالفت با دعا کردن در مزارات
- ممانعت از نذر و نیاز
- مخالفت با تفضیل حضرت علی
- مخالفت با توسل به پیامبران ومدد خواستن از آنها
- لزومِ اجتهاد درتمام اوقات
- مخالفت با تعزیه داری
- مخالفت با بزرگداشت از امام حسین
- مخالفت با تجلیل ازمولود پیامبر
- مخالفت با نو روز وبرگزاری محافل در این زمینه
- مخالفت با علم و تکنالوی عصر

گزینشِ طرزِ زنده گی تابعیین و تابعیینِ تابعیین (اصحاب محمد و پیروان اصحاب تا سه قرن بعد ازمحمد)

تنها "جماعت التبلیغ " با چنین اندیشه های سختگیرانه، مشغول فعالیتهای مذهبی – سیاسی نمیباشد، بلکه سایرشعبات و تشکلاتِ برآمده ازبطنِ مدرسهٔ دیوبند نیزمجهز با چنین اعتقادات میباشند، مثلاً :

- زیارت کردنِ قبور و آرامگاه ها، شرک وگناه است
- اعتقاد داشتن به غیبگویی پیامراسلام، شرک وگناه است
- فرستادنِ صلوات و ختم قرآن به منظورِ حصولِ ثواب، جایز نیست
- برگزاری جشنِ میلاد پیامبر جا یز نیست
- عزاداری به مناسبتِ وفات کسی، بخصوص در روز سومِ آن ناجایز است
- شفاعت خواستن از قبورِبزرگان شرک وگناهست
- مرتبت کسان دیگری ازمرتبت انبیا بالاترخواهد بود
- شیعیان کافر یا مشرک اند

پس ملاحظه میشود که وجه تشابهه میان وهابیت یا سلفیسم عربستان سعودی و مدارس دیوبندی هند و پاکستان بسیار برجسته میباشد.

این موضوع نیز گفتنی است که رهبران مدارسِ دیوبندی درشبه قارهٔ هند، در نخستین سالهای تدریس و فعالیت، علاوه از تمایل اعتقادی " برگشت به سلف صالح " و مبارزه با بدعت ها و " انحرافاتِ مسلمانان از اصل قرآن و سنت "، ضدیت شان با استعماراروپایی و دانش و تکنالوژی غرب را پنهان نمیکردند، ولی مقام های هند برتانوی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزِ بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

با درک این تمایل و گرایش (ایدئولوژیک – سیاسی)، دست بکارشد وخطوط فکری دانش آموزان مدارس مذکور را به مرور زمان به سود خویش منحرف ساخت.

پاکستان کانون دیوبندیسم، سلفیسم و تروریسم

" جیلزکپل" یک محقق فرانسوی مینویسد : " با ظهور ثروت باد آوردهٔ نفت، هدف سعودی ها ترویج و گسترش وهابیت در سراسر جهان اسلام بود... تا اسلام وهابی " چند دستگی صدا ها در درون دین " را به یک صدا تبدیل کند، جنبشی که از مرز های ملی فراتر خواهد رفت.ملیارد ها دالر در راه ظهور این قدرتِ نرم سرمایه گذاری شده و همچنان میشود..."

عواملِ رشدِ وهابیت و تروریسم درپاکستان

علاوه از سایراسباب و عوامل (روان، اجتماعی، عقیدتی و...)، دلایل آتی نیز در رشد و نفوذ وهابیت و تروریسم ناشی از آن در قلمرو پاکستان اثرگزاربوده اند :

1) موجودیت سطح پایین سواد و دانش ونبود دموکراسی مردمی
2) موجودیت دیوبندیسم بعنوان بسترفکری وهابیت در پاکستان
3) جدایی پاکستان ازهند تحت شعار اسلام و سؤاستفاده های سیاسی از آن
4) طرح سیاست ذولفقارعلی بوتو مبنی برتقرب مالی وسیاسی با عربستان سعودی
5) تأثیرافکاردیوبندی جنرال ضیاالحق بحیث رهبررژیم کودتای نظامی وحمایت آشکار وی از وهابیت و بنیادگرایی اسلامی (شخص جنرال ضیا الحق نیز پیرو و معتقد به اندیشه های دیوبندی بود)
6) تحولات افغانستان درسالهای هشتاد سدهٔ گذشته، گرم شدن بازار جهاد علیه نیرو های شوروی دیروز، سرازیرشدن اعراب وهابی درنزدیکی های مرزافغانستان، طرح استراتژیک دولت پاکستان علیه افغانستان و برنامه های جهانی و منطقه یی ابرقدرت امریکا و متحدان غربی و عربی آن درچارچوب شوروی ستیزی و کمونیسم زدایی.
7) دشمنی دولتمردان پاکستان با هند و افغانستان و استفادهٔ ابزاری ازبنیاد گرایی و تروریسم.

برنامهٔ ترویج و گسترش وهابیت عربستان سعودی درمنطقه با اهداف استراتژیک ابرقدرت امریکا ومقاصد سیاسی-نظامی پاکستان درهند و افغانستان و نقاط دیگرجهان، چنان درهم تنیده و به سود دولتمردان پاکستان تمام شده است که از سه دهه بدینسو، منفعت های عظیمِ سیاسی، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی را نصیب آنها نموده است. ما، در اینجا به چند نمونه از این منفعت های بزرگ پاکستان اشاره مینماییم :

ازنظرمالی : ممالک مختلف غربی، بخصوص ایالات متحدهٔ امریکا، عربستان سعودی واکثرکشورهای اسلامی، نهاد ها و مؤسسات بین المللی تحت عنوان کُمک به مجاهدین افغان و مبارزه علیه " کمونیسم " شوروی، چنان سرِ خزانه را برروی پاکستانیها گشودند که درجریان مدت پانزده سال (ازآغازتجاوز نظامی شوروی بالای افغانستان تا سقوط رژیم کودتای ثور)، علاوه ازموادِ خوراکه و پوشاکه و... ملیارد ها دالر و دینارِبه سوی حکومت مداران پاکستانی سرازیرگردید و باعث آن شد که علاوه ازآنکه نظام دیکتاتوری پاکستان را ازبی ثباتی اقتصادی نجات داد، پروژهٔ اتمی آن کشور را که مسلماً بسیار پُرخرچ میباشد، نیز به ثمر رسانید. موازی بدان، بخصوص جنرالان ارتش و منسوبین استخبارات نظامی پاکستان را به ملیونرهای مغرور وسرمایه داران کلان درپاکستان و در منطقه مبدل نمود.

ازنظرنظامی: پاکستان، با درنظر داشت سه مرتبه شکست سختی که در جنگ با هندوستان نصیب شده بود، درآتش کمبود سلاح و وسایط پیشرفتهٔ جنگی میسوخت وازلحاظ مالی و ضعف اعتبارسیاسی درجهان، نمیتوانست این کمبود و معضله را حل نماید. ولی تحولات سیاسی – نظامی افغانستان وبسیج کشورهای غربی واسلامی، موجب آن گردید تا هزاران تُن سلاح و وسایل مدرن نظامی، مشاوران کارکشته وسایر نیاز های جنگی پاکستان ظرف سالهای جهاد مردم افغانستان، ظاهراً زیرنام " کُمک به مجاهدین افغان " به زرادخانه های نظامی این کشور سرازیرشود. چنانکه امروز، پاکستان دارای مجهزترین ارتش و پُرشمارترین افراد نظامی، پس ازهند در منطقه بحساب میرود.

ازنظر اطلاعاتی : شبکهٔ استخبارات نظامی پاکستان که بازهم درتقابل با هندوستان و کشورهای منطقه، ازناحیهٔ کمبود پرسونل فنی، لوازم پیشرفتهٔ اطلاعاتی و آموزشهای خاص دراین ساحه رنج میبُرد، ممالک پیشرفته مانند امریکا،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

انگلستان، اسراییل، چین و حتا جمهوری اسلامی ایران حاضر شدند درهوا و فضای ضدیت با " کمونیسم "، شبکهٔ (آی.اس.آی) را ازهرنقطهٔ نظر چنان تقویت نمایند که به یک هیولای غیر قابل کنترول در منطقه مبدل شود که شد.

وهابیت در افغانستان

باید این نکته را یاد دهانی نمایم که از نظر سیر تاریخی، وهابیت درکشوراسلامی افغانستان در سده های گذشته جای پا و تبارزعلنی نداشته است. یا بعبارهٔ دیگر، مردم افغانستان بصورت عمده، سنی حنفی مذهب بوده با اهل تشیع (شامل پیروان جعفری، دوازده امامی، اسماعیلی، قزلباش و غیره) بگونهٔ صلح آمیززنده گی بسرمی بُردند و ازشرِ چنین مذهب افراطی خشونت بارِ آل سعود و آل شیخ درامان بودند.

نخستین جرقه های نفوذ وهابیت نوع دیوبندی، دردوران پادشاهی اعلیحضرت امان الله خان، با ارسال یکتعداد ملاهای آموزش دیده وگماشته شده توسط استعمارهند برتانوی به منظور تبلیغات دامنه دارضد نهضت امانی وسد سازی راه ترقی وپیشرفت افغانستان، ازشبه قارهٔ هند به سوی افغانستان فرستاده شدند. شاه امان الله وهمکاران نزدیک وی، خطردیوبندیسم را به موقع درک نموده یک سلسله اقدامات سد سازنده یی در برابرآنها اتخاذ نمود؛ اما این اقدامات، بسیار زود تحت تأثیرموج نارضایتی لایه هایی ازمردم برضد شاه، خیزشهای مسلحانه وخیانت ورزیهای افراد وعناصردرون دربار، به کندی گرایید و در رژیم های بعدی، بالاخره بی اثرشد. اما نفوذ نسبی اندیشه های مدرسهٔ دیوبند از هند به افغانستان و جابجایی ملاهای منسوب به آن، تا دهه های سوم سدهٔ گذشته، به هیچ صورت به رشد و تکامل تشکیلاتی نرسیدند.

چنانکه قبلاً نیز تذکررفت، سالهای هشتاد سدهٔ رفته بود که تحولات سیاسی – نظامی درافغانستان که ملهم ازاشغال نظامی کشورتوسط نیروهای شوروی بود وبرنامه ریزی های جهان غرب وفرصت طلبی ها وغداریهای جانب دولتمداران پاکستانی و سرازیرشدن سیل سلاح و دالر با مبلغین ومؤظفین وهابیت آل سعود به خاک پاکستان و بخشهایی از خاک افغانستان بود که راه برای تشکیل سازی وهابی ها، دیوبندی ها وسیاسیون پاکستان هموارشد.

نخستین فرد وهابی تند رو و مبلغ سر سخت سلفیسم که با همکاری تنگاتنگ شبکه های(سی.آی.ای)،(آی.اس.آی) و(المخابرات العامه) درشهر پشاورپاکستان مستقرشد، عبدالله عزام فلسطین الاصل بود که بعداً دست به ساختارتشکیل سیاسی – مذهبی بنام " دعوت الارشاد" ، " بیت الانصار" و " بیت الخدمت" درنواحی مرزی میان افغانستان و پاکستان زد و تعداد زیادی ازوهابی های عربستان سعودی وحاشیهٔ خلیج فارس را غرض جنگیدن و ترویج وهابیت درافغانستان فراخواند. وفتی عبدالله عزام درخاک پاکستان کشته شد، اسامه بن لادن، تشکیل وهابی دیگری بنام " القاعده " را پی ریزی نمود. عربهای وهابی کاروتلاش غرض ترویج وهابیت را لا اقل در دوبخشِ جهادیهای افغان پیش بردند: یکی از رهبران جهادی افغانستان بنام عبدالرسول سیاف رهبرحزب اتحاد اسلامی را برگزیدند تا هودج وهابیت را درچارچوب حزب جهادی اش به داخل افغانستان منتقل کند.

عربهای وهابی، موازی با نزدیکی فکری – سیاسی با آقای سیاف، هستهٔ یک نظم جهادی- وهابی را مستقیماً و با مصارف گزاف دالر و دینار درولایت کنر(هم مرزبا پاکستان) توسط یکی ازگماشته گان شان بنام (مولوی جمیل الرحمن) دردههٔ هشتاد سدهٔ رفته بنا نهادند که تا چند سال در آن بخش افغانستان حکمروایی میکرد و به مرکز رفت و آمد و دستوردهی عربهای وهابی مبدل شده بود.

پروژهٔ طالبان و توفیق وهابیت درافغانستان

هنوزجنگها و نزاع های خونین میان احزاب و تنظیم های اسلامی – جهادی افغانستان پس ازسال 1992 میلادی درشهرباستانی کابل ونقاط دیگرادامه داشت که بازهم قدرتهای بیرونی مانند امریکا، انگلستان، عربستان سعودی و پاکستان، پروژهٔ استعماری دیگری را رویدست گرفتند تا بالوسیله بتوانند ازیکطرف احزاب و تنظیم های جهادی را خلع سلاح نموده با براه اندازی بیداد نوع طالبی، درسرکوب غرورملی مردم افغانستان توفیق بیشتر یابند از سوی دیگر، راه را برای تمدید پایپ لاین نفت و گاز ترکمنستان (پروژهٔ تاپیی) ازقلمرو افغانستان به سوی جنوب (بندرگوادر) هموارسازند.

این برنامهٔ هشت ملیارد دالری، درصورت پیروزی کامل، علاوه از آنکه منفعت های عظیم اقتصادی را نصیب طراحان آن مینماید، دست آورد های دیگری را نیزبرای آنها تضمین میکند ، بدینقرار :

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

- ایالات متحدۀ امریکا، با تطبیق این پروژۀ بزرگ اقتصادی میتواند مستقیماً درمرزهای آسیای میانه جای پا بازکند، ازتداخل احتمالی جمهوری اسلامی ایران در همچو یک پروژۀ اقتصادی مهم جلوگیری بعمل آورد و دستِ رقیب سیاسی اش (روسیه) را ازچنین منبع عظیم انرژی کوتاه نموده و ترکمنستان را از وابسته گی سیاسی و اقتصادی به ماسکو دورسازد.
- عربستان سعودی قادرمیشود علاوه از منفعت کلانِ اقتصادی، نه تنها اندیشه های رجتعگرایانه، متعصبانه و ضد علم و دانش وهابیت را درجامعۀ سنتی افغانستان می دَمانَد، بلکه یک نظام سیاسی – مذهبی نوع سعودی بنام (امارت اسلامی) را نیز در این کشورمستقرسازد.
- پاکستان بعنوان دلال اصلی دراین میان، هم به کشورهای آسیای میانه ارتباط مستقیم حاصل میکند و ازمزایای این پروژۀ بزرگ استفاده بعمل می آورد و هم افغانستان را که دشمن دوم خویش پس از هندوستان میداند، تحت نام و نشان " امارت اسلامی طالبان " به اشغال نظامی خویش در می آورد و تمام شرایین حیاتی این کشور را قطع مینماید.
- انگلستان که بکارگیری سیاست ماهرانه و زیرکانۀ استعماری در عقب همۀ این فعل و انفعالات قرار دارد، به مقصد سیاسی اش که عبارت از تقرب دوباره به منطقه، تحکیم هژمونی استعماری و سود بردن ازکشورها میباشد، نایل می آید.

هرچند پروژۀ اقتصادی نفت و گازترکمنستان تا کنون به ثمرنه نشسته است، مگرطراحان آن، ظرف سالهای پسین به اکثرهدفهای سیاسی – نظامی و اطلاعاتی شان درافغانستان و منطقه نایل آمدند. مثلاً، ایالات متحدۀ امریکا افغانستان را اشغال نمود، سلاح های مدرن و کشنده اش را در کوه ها و کوهپایه های افغانستان به آزمایش گرفت، منابع زیرزمینی کشور را شناسایی و حتا قسماً استخراج نمود، پایگاه های نظامی دایمی دراین خاک بدست آورد، سازمان تروریستی " القاعده" در افغانستان و مناطق قبایلی پاکستان را ضربه های کاری زد، تعداد کثیری از افراد بومی را دربخشهای اطلاعاتی آموزش داد و استخدام نمود، ستون فقرات ارتش افغانستان را امریکایی ساخت و بالاخره، چندین قدم به هدف های استراتژیک اش نزدیکترگردید.

پاکستان هم نه تنها افکار و اندیشه های زهرآگین دیوبندیسم را با آسان ترین وجهی وارد افغانستان نمود، بلکه گروه ها و نهاد های دست پروردۀ تروریستی اش را نیز دردرون سرزمین افغانستان گسیل نمود، افراد وجواسیس خویش را درتمام نهاد های دولتی اعم ازسیاسی، فرهنگی، نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی و اجتماعی این کشورجابجا نمود، ملیارد ها دالرازکیسۀ امریکا و کشورعربستان سعودی و کشورهای سواحل خلیج فارس به جیب زد و با آتش زدنها، انفجاردادنها، ترورکردنها و به راه اندازی حملات تروریستی بلا وقفه، از بازسازی افغانستان جلوگیری نمود وهزاران ملا و مفتی تکفیری و تبلیغی را در مساجد و مدارس کشورجابجا کرد. پروژۀ طالبان، هرچند که هزاران عنصروحشی صفت خارجی اعم از مسلمانان قشری، تروریستی و عربهای وهابی افراطی وقسی القلب را بداخل افغانستان کشانید وازسال 2005 تا 2000میلادی، خون هزاران شهروند مسلمان و بیگناه این کشور را به زمین ریخت، بربنیاد تحولات سیاسی و برنامه های تازۀ کاخ سفید ومتحدان بین المللی اش، دراخیرسال 2000 میلادی ظاهراً متوقف گردید و طالبان مسلح و متحدان خارجی آنها به پاکستان برگشتند و شیپورتحول تازه نواخته شد، اما اندیشه های وهابی طالبانی در فضای کشور، چون شبح خطرناک در گردش باقی ماند.

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ